

گفتگو

سال اول - شماره ششم - هفته دوم مهرماه ۱۳۹۸
نشریهٔ روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز



کانون وکلای دادگستری مرکز

■ دکتر ناصر کاتوزیان:

(عدالت قضائی گزیده آراء، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶)

هدف غایی و معشوق نهایی انسان عدالت است و ارزش نظم در این است که مقدمه عدالت باشد.انسان نظم در زندان را نمی پسندد. وانگهی تجربه نشان داده که گاهی بی نظمی را به جان می خرد تا بساط ظلم را واژگون سازد.

عیسی امینی - رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز:

دادرسی منصفانه بدون وکیل مستقل ممکن نیست



■ موازی سازی در ریاضی به این مفهوم است که معمولاً می‌توان فرایند حل یک مسئله را به زیروظایف خردتری تقسیم کرد که با اجرای هم‌زمان این زیروظایف و هماهنگ‌کردن آن‌ها مسئلهٔ اصلی در زمان کوتاه‌تری حل می‌شود. موازی‌سازی گاه یکی از مهم‌ترین روش‌های سیاسی برای کنترل نهادی است که به انجام شرح وظایف قانونی خود می‌اندیشد و خود را تابع مصلحت نمی‌داند. گاهی ساختن تشکیلاتی موازی در دستور کار قرار می‌گیرد تا با ایجاد سردرگمی در درون آن و نزد مردم از جایگاه نهاد و با ابزار تخریب چهرهٔ نهاد اصلی با روش‌های رسانه‌ای ملی، به افکار عمومی آدرس غلط داده شود. بدین‌ترتیب و بتدریج، عاملان این اندیشه با کاستن از اعتبار و آبروی نهاد اصلی به‌دنبال تقویت نهاد موازی می‌روند تا در کنار تضعیف یا استحالهٔ نهاد اصلی، به گمان خود، از کارکرد این نهاد نیز محروم نشوند. متأسفانه کانون وکلای دادگستری در این خط فکری قرار گرفته است. در این راستا، آیین نامه ای در سال ۱۳۸۸ علیه نهاد وکالت تصویب شد که پس از مخالفت رسانه‌ها و وکلا و مغایرت آشکار ان با اصول حقوقی و قانون معلق درآمد. اخیراً آیین نامه اجرایی بر ماده۱۸۷ منقضی شده برنامه سوم توسعه به تصویب رییس سابق قوهٔقضاییه‌رسید که باید به این پرسش پاسخ داد که آیا بدنبال حیات بخشیدن دگربار به نهاد موازی یا همان مرکز امور مشاوران بوده و یا در پی پایان بخشیدن به خط موازی در نهاد اصلی است یا نه ؟ کافی‌است به یک جمله بسنده کنم که یکی از معیارهای اصلی حقوق بشر در اسناد و دیدگاه‌های رسمی مجامع بین‌المللی دادرسی منصفانه‌است که درواقع، قلب تپندهٔ آن نیز محسوب می‌شود. حال در هیچ سند بالادستی‌ای نمی‌بینیم که دادرسی منصفانه را بدون وکیل مستقل و کانون وکلای مستقل درنظر بگیرند و هیچ سندی نیست که برای نظام قضایی‌ای که دو نوع کانون وکلای دادگستری با هر نام و عنوانی دارد اعتباری قایل باشد. کانون وکلای دادگستری از نظرِ بیانیهٔ‌هاوانا و همهٔ اسناد بین‌المللی باید نهادی مستقل و غیروابسته باشد تا بر آن اعتباری بار نمود. ممکن است ما با کشورهایی مواجه باشیم که کانون وکلای دادگستری ندارند و از نداشتن دادرسی منصفانه نیز واهمه‌ای نداشته باشند، ولی کشوری وجود ندارد که همچون ایران، در کنار کانون وکلای دادگستری مرکزی تحت مدیریت مطلق یا نسبی دستگاه قضایی داشته باشد که همان کارکرد کانون وکلا را ایفا کند و در عین حال، مورد تأیید حقوق‌دانان

با مجامع عمومی بین‌المللی نیز قرار بگیرد. آنچه بر کانون وکلای دادگستری در ایران در این سال‌ها خصوصاً ماه‌های اخیر گذشته‌است اجمالاً در مسیر موازی سازی تا یکسان سازی به سوی نهاد شبه دولتی است؛ تشکیل نهادی موازی با نام مرکز امور مشاوران، تضعیف قدرت قانونی و اصولی کانون وکلای دادگستری، تخریب چهرهٔ وکالت در افکار عمومی با رسانهٔ ملی یا دیگر رسانه‌های خاص با ارائهٔ آدرس‌های غلط و حملات فراگیر و پی‌درپی، توسعهٔ کمی ناگهانی قلمرو نهاد موازی با امکان اقدام بلامنازع ازسوی آن، اجازه دادن انجام کارهای نمایشی با روش‌های عوام‌گرایانه و تضعیف حداکثری نهاد اصلی، برداشتن نام و نشان نهاد اصلی و مصادره آن‌ها برای نهاد موازی جهت انتقال ناموفق اعتبار، اختلاف‌زایی بین اعضای نهاد اصلی و موازی برای نزاعی که در ایجاد آن بی‌تقصیر و ناآگاه هستند، و بسترسازی برای تشکیل نهاد سوم که نه نهاد اصلی باشد و نه نهاد موازی. تشکیل نهاد سوم هدف بنیادین مقولهٔ موازی‌سازی و برخلاف خواسته نهاد اصلی و حتی غالب اعضای نهاد موازی است که به فراگیر شدن نهاد اصلی می‌اندیشند. برای اینکه مثالی برای انجام این فرایند تدریجی در رسیدن به نهاد سوم ارائه دهم کافی‌است به تخریب چهرهٔ این نهاد مدنی در این مدت اخیر اشاره کنم. عده‌ای خاص به‌کمک رسانهٔ ملی و برخی از رسانه‌های خاص دورمز تخریب کانون وکلای دادگستری را بر این اطلاعات مبتنی ساختند که کانون وکلا به‌عنوان متولی جذب دست به انحصار و مقابله با جوانان زده‌است و اعضایش از مردم حق‌الوکاله‌های نجومی می‌ستانند؛ صرف‌نظر از بیکاری گسترده درعرصهٔ وکالت و همچنین ضرورت نظارت بر آموزش کارآموزان و مشکلات زیرساختی کانون وکلای دادگستری و قوهٔ قضاییه در افزودن نامتناسب وکیل و فساد ناشی از این بیکاری در جریان اجرای عدالت، اصولاً جذب کارآموز وکالت با کمیسیونِی است که اکثریت آن نمایندگان قوهٔقضاییه هستند نه کانون وکلا و اتهام انحصارگرایی‌ای که توسط خود نهادهای انحصارطلب علیه کانون وکلای دادگستری وارد می‌شود نه‌تنها واقعیت ندارد که اساساً با آن ترکیب امکان‌پذیر نیست.در یک تناقض آشکار،به انحصار و حق الوکاله‌های نجومی ناشی از احصای لیست معدود وکلای مورد تأیید رییس قوهٔقضاییه‌هاز سال ۱۳۹۴ توجیهی نمی‌شود ولی به طرح اتهاماتی پرداخته می‌شود که مصداق نشر اکاذیب و تخطئه است. نکته مهم این است که در این هجمه رسانه ای و تحریف

حقایق نزد افکار عمومی اصل حقیقت و رخدادها مکتوم می‌ماند. به‌رحال اگرچه در پیرامون نهاد اصلی دولتی این‌گونه موازی‌سازی‌ها باوجود زبان‌های سنگینش امکانپذیر است ولی پرسش این است که موازی‌سازی در عرصهٔ نهادهای مدنی و برای کانون وکلای دادگستری با پیشینه بیش از یکصد سال و در پیرامون قضا و عدالت چه پیامدی خواهد داشت. اگرچه تاامروز قوهٔ قضاییه به نامه‌های اعتراض‌آمیز کانون‌های وکلا، کانون وکلای دادگستری مرکز و اتحادیه پاسخی نداده‌است، ولی در این نامه‌ها و یادداشت‌ها به نتایج تقویت تفکر موازی‌سازی و دولتی سازی نهاد وکالت در این امر تأثیرگذار بر عدالت قضایی هشدار داده شد. اولین اثر این امر از جنبهٔ داخلی و در نگاه مردم ایران است. ازسویی اگر به وکالت‌های تسخیری، که دادگاه‌های کیفری به‌جای متهم برای وی وکیل مجانی تعیین می‌کنند، بنگریم یا در وکالت‌های معاضدتى، که برای یکی از اصحاب تنگ‌دست دعوای حقوقی وکیل

فشارهای همه‌سویه عده‌ای بر کانون وکلا نشان می‌دهد که درد منتقدان حل مشکلات مردم نیست

دادگستری تعیین می‌شود، توجه کنیم متوجه می‌شویم که نگاه و انتخاب اول مردم و قضات به‌جهت استقلال و شرایط نهاد اصلی، « کانون وکلای دادگستری» هستند. جالب‌تر آن است که اگر قاضی مستعفی یا بازنشسته‌ای به‌دنبال پروانهٔ وکالت باشد و قانونا استحقاق اخذ پروانه وکالت از نهاد اصلی یا موازی را داشته باشند، اولویت اول و مصرّانه‌اش درخواست از کانون وکلای دادگستری‌است، نه نهاد موازی آن. ازسوی دیگر نگاه مردم پس از وابسته ساختن مطلق یا نسبی کانون‌های وکلا به وکلا و درواقع متزلزل و مبهم ساختن جایگاه حق دفاع، همان نگاهی خواهد بود که به مقولهٔ وکلای مورد تأیید قوهٔ قضاییه و عدالت قضایی دارند. همان وکلایی که از زمان وضع تبصرهٔ مادهٔ ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ در دعاوی امنیتی مطرح و به عنوان وکیل مجاز و مورد تأییر رییس قوهٔقضاییه احصا شدند و با احصای وکلای مورد تأیید رییس قوهٔقضاییه، موجب تشویش خاطر و بی‌اعتمادی مردم به رسیدگی این دعاوی شد. امروز بعضی از دولتمردان سابق کشور و یا خویشان‌دان آنها، که درست یا نادرست متهم شده‌اند و بعضاً در گذشته سرناسازگاری با کانون وکلا داشتند، به‌دنبال انتخاب وکیل مستقل برای خود از درون کانون وکلا هستند، استقلالی که مردم و حاکمیت از زمان تصویب آن در سال۱۳۳۱ از آن بهره برده‌اند و باوجود فراز و نشیب‌های دادگستری، استحکام آرای محاکم نیز کم‌وبیش حفظ شد. آشفته‌سازی، تقویت آشکار نهاد موازی یا استحالهٔ آن در شرایط جدید ولی نامتعارف نه‌تنها به حقوق مردم صدمه‌ای جدی می‌زند، بلکه پس از گذشت زمانی کوتاه مردم متوجه می‌شوند که نه انحصاری درکار بود و نه خبری از ثروت جامعهٔ وکلا. طبعاً این اشکال در کارنامه دورهٔ ریاست هر شخصی بر قوه نگاشته شود، با فراموش‌شدن گروه‌های مؤثر و مجریان آن در انجام پیمان تخریب این کهن نهاد مدنی کشور، کارنامهٔ و شروع خوبی خصوصاً نزد افکار مؤثر وکلا نخواهد بود. آشفته‌سازی یا جذب بدون نیاز یا بی ضابطه صرفاً



می‌تواند نظارت بر سلامت و دانش وکیل را سخت و بی‌نظمی و ناامنی را در دادگستری به‌دنبال بیاورد.در این راستا نباید فراموش کرد که ورود کانون وکلا به انتخابات سیاسی کشور که اصولاً ممنوع است پیامدهایی نیز خواهد داشت و فلسفه این منع نیز پیشگیری از وارد ساختن کانون وکلا به تنش‌های سیاسی و جناحی است. البته از جنبهٔ دوم آن که وجههٔ بین‌المللی است نباید غافل ماند. برخلاف ادغام نهادهای دولتی اصلی و موازی که غالباً زبان را متوجه توسعه و انتظام کشور و امنیت مردم می‌سازند تحدید و نقض استقلال کانون و وکیل دادگستری به‌مفهوم نقض حقوق بشر و موازین روشن بین‌المللی و لطمه به اعتبار جهانی نظام قضایی و صدمه به اتقان آرا در عرصهٔ بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود؛ کشوری که به‌جهت جایگاه بالایش در عرصهٔ صادرات و واردات و نفوذ اتباع اش در عرصه خارجی دائماً در تماس بین‌المللی‌است، توسعهٔ قلمرو قوانین و صلاحیت محاکم ایران برای اتباع خارجی و تجار بین‌المللی از اولویت‌های آن خواهد بود که جز با وجود کانون وکلا و وکیل مستقل در کنتر تشکیلات قضایی میسر نخواهد بود. راهی که جز بازگشت به استقلال وکیل و کانون وکلا و احساس اعتماد به مستقل بودن آن‌ها چاره‌ای دیگر نخواهد داشت، ولی تا زمان طولانی بازگشت به گذشته و بازیابی اعتماد، زبان آن برای منافع ملی و جایگاه ارزشمند کشور ایران است. در برهه‌های سیاسی پرتنش و کشمکش‌ها، دولتمردان متوجه زیاده‌خواهی گروه‌های معدود انحصارطلب نمی‌شوند، ولی به‌محض آرام‌شدن فضای سیاسی متوجه آسیب‌های جدی خواهند شد که طراحان و مجریان آن دگر زیربار مسئولیت لطمات به منافع ملی نمی‌روند. فشارهای همه‌سویه عده ای بر کانون وکلا نشان می‌دهد که درد منتقدان حل مشکلات مردم نیست و ریشه در ماهیت مستقل و ملی بودن بودن وکالت و حساسیت جایگاهش به‌خاطر نقش‌آفرینی‌اش در امر عدالت و استقلال اندیشه‌های آن دارد. قطعاً بازگشت دادگستری کشور به شصت‌وهفت سال قبل و پیش از تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۷ اسفندماه ۱۳۳۱ممکن نخواهد بود، ولی خطر جدی بروز پیدا کردن تفکری است که به‌دنبال نفوذ و گسترش روابط خود در فرهنگ سیاسی کشور هستند و البته در برابر این کهن نهاد مدنی و با حضور آزادمردان در عرصه اندیشه و مدیریت کشور غالب نخواهند آمد.وابسته سازی این نهاد مستقل خبر خوبی برای مردم و سایر نهادهای مردمی همچون مجلس نخواهد بود. اگر چه خطوط موازی در ریاضی بهم نمی‌رسند ولی مسأله‌ای را حل می‌کنند و حال آنکه با موازی‌سازی در حوزه سیاست و اجتماعی،خطوط بهم می‌رسند اگرچه مسأله‌ای را حل نکرده و برعکس تولید مسائل نیز می‌نمایند. بنابراین برون رفت نظام حقوقی از این وضعیت، توسل به راه حل‌های حقوقی و همسویی با تحولات و تجربیات حقوقی و قضایی جهان جهت جلب اعتماد مردم،بدنه دادگستری،وکلا و مجامع بین المللی است نه توسل به راهکارهای سیاسی بحران‌ساز و پرهزینه. پایدار ساختن نهاد مدنی بیش از آنکه یاری رساندن به وکلا و توقف رویه ناصحیح باشد مصداق احترام به قاعده اصلی درخشش و صیانت دولت-کشور و نظام قضایی به «العدل اساس الملک» است. تأکید می‌کنم به اندازه‌ای که از داشتن وکیل مستقل و کانون وکلای مستقل دور می‌شویم و یا بر آن می‌تازیم به همان اندازه برای اقتدار دادگستری چالش می‌آفرینیم و با دادرسی منصفانه و اعتماد مردم فاصله می‌گیریم .درج شده در روزنامه شرق مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۲.

روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز.



■ شادروان بهمن کشاورز: (سخنرانی در همایش اسکودا؛ سال ۱۳۹۵)

استقلال کانون وکلا به مفهوم بین‌المللی و قابل قبول آن با قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶ محدود و مضیق شده است و بنابراین تحدید و تضییقی بیش از این پذیرفتنی نیست. استقلال وکیل را از استقلال کانون وکلا جدا نمی دانیم هر چند که اولی بطور نسبی- وسیعتر و گسترده تر از دومی است.



کانون وکلای ایران

کانون

سال اول - شماره ششم - هفته دوم مهرماه ۱۳۹۸
نشریه روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز

■ شادروان رضا نوربها:

(مقدمه کتاب زمینه حقوق جزای عمومی)

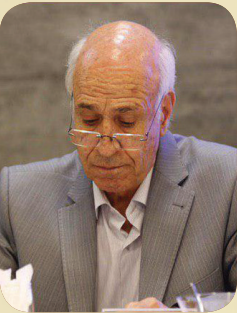
یک حقوقدان برای ارائه عشق خود باید بنویسد و بگوید که نوشتن . گفتن درب های بسته را می گشاید که بسیاری تحمل گشایش آنها را ندارند . چرا که می ترسند گشودن درب های آگاهی و معرفت به بستن دکان های پر رونق جهالت آنها بینجامد.



واقعی نه کانون و نه وکلای عضو، بلکه در درجه اول قوه قضائیه ما و نهایتاً مردم خواهند بود. شعار «به خیل بیکاران بنگرید» در برابر دلایل و جهانی که کانون مطرح می‌کند، از جذابیت بسیار بیشتری برخوردار است. خانواده‌ای که با خون جگر و محرومیت از ساده‌ترین امکانات، وسایل تحصیل فرزندی را فراهم کرده است، فقط به اشتغال می‌انداشد و نه جهانی که کانون برای یک جامعه منظم و پیشرفته به آنها می‌پردازد. این همان دیدگاهی است که در ایران و در بین سیاستون به سیاست «احمدی نژادی» معروف شده است. اگر سیاست احمدی نژادی گریه از کار ناگشوده ملت گشود، شعار «به خیل بیکاران بنگرید» نیز باری از دوش ملت برخواهد داشت. سید حسن سجادی. رئیس کانون وکلای دادگستری گیلان.

■ موازی سازی و نهاد وکالت

ایجاد تشکیلات و ساختارهای موازی از آفت های مدیریت کشور است به همین جهت موازی سازی را بسیاری از صاحب نظران آسیب اجتماعی می دانند و مقام عظمای ولایت نیز که فرمایشات وی در واقع فصل الخطاب است در دیدار



اخیر با اعضای مجلس خبرگان فرمودند: ایجاد تشکیلات و کار موازی با دولت به صلاح و موفق نخواهد بود و تجربه ثابت کرده است کار باید به وسیله مسئولان آن در مجاری قانونی انجام بگیرد به نظر مصداق فرمایشات مقام معظم رهبری است ناظر به کلیه سازمانها و نهادهایی است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران عهده دار وظیفه هستند. کانونهای وکلای دادگستری ایران به عنوان قدیمی ترین نهاد مدنی و تنها نهاد قانونی منبعث از فرمایشات مقام رهبری است که ظرف چندین دهه از تاریخ تشکیل هزاران وکیل دادگستری را تربیت و بدون اینکه دیناری بار مالی به دولت تحمیل نماید علاوه برآنکه موجبات اشتغالزایی را فراهم و با قبول وکالتهای تسخیری و معاضدتی و مشاوره باوزی دستگاه قضایی در تحقق دادرسی عادلانه می باشد به عنوان مردیان خوش حساب مالیاتی ارقام در خور توجهی را به عنوان مالیات پرداخت و در امر پذیرش آموزش و تربیت وکلای دادگستری نقش مهمی را ایفا می نماید متأسفانه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران آنانی که به لحاظ قده بنیه علمی در ورود به کانونها موفقیتی نداشتند چاره را در موازی سازی تخصصی و با تشبث به شعار شیرین اعمال حمایت لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی و رابزینی هایی که انجام دادند موفق شدند تا ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه را از تصویب قوه مقننه بگذرانند و به موجب این ماده به قوه قضائیه اجازه داده تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس موسسات مشاور حقوقی اندام نمایند وحضور مشاوران در محاکم برای انجام امور وکالت متقاضیان مجاز اعلام شد این اول راه بود متعاقب آن آیین نامه اجرایی این ماده در سال ۸۱ به تصویب ریاست محترم وقت قوه قضائیه رسید وبرخلاف عنوان مصرحه در قانون به مرکز مشاوران حقوقی تغییر عنوان یافت و نامی از موسسات حقوقی برده نشد این اولین انحراف از قانون بود در ادامه راه علیرغم اینکه مقررات ماده ۱۸۷ قلم به عمر برنامه سوم توسعه است و مقررات این ماده مستقل و منفک از اهداف برنامه سوم است و نمی توان آنرا دایمی دانست در روزهای پایانی دوره ریاست حضرت آیت ... آملی لاریجانی موفق به تصویب آیین نامه این ماده نمودند که صرفنظر از منقضی شدن عمر قانونی آن در مقام قانونگذاری برآمدند و این بار برای آن به جای موسسه مشاوره حقوقی مندرج در قانون برنامه عنوان مرکز وکلا و کارشناسان و مشاور خانواده را انتخاب نمودند تا بر خلاف قانون به خود لقب مرکز وکلا اعطا فرمایند و جالب تر آنکه در راستای موازی سازی تلاش برآن دارند تا این مرکز را مستقل بنامند غافل از آنکه. قانون اساسی مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که وظایف قوای سه گانه را تعیین و برحدود آن تصریح و تأکید نموده است. واضعین قانون اساسی در اصل ۱۵۶ آن قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف مصرحه در این اصل دلالتی بر ماموریت قوه داده اند بندهای مصرحه در این اصل دلالتی بر ماموریت قوه قضائیه در جذب وکیل ندارد همین واضعین در فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت به حق داشتن وکیل تصریح و آنرا از مصادیق حقوق ملت دانسته اند. دفاع از جان، مال و ناموس مردم و حقوق و آزادیهای آنان به عنوان حقوق ملت از یکسو و از دیدگاه محافل بین المللی و افکار عمومی تحقق این موارد درگرو داشتن وکیل مستقل و نهاد مستقلی است که بتواند موجبات تحقق این حقوق را فراهم نماید مرکزی که مستطهر به حاکمیت و قوه قضائیه نهاد نمیتواند مستقل باشد و در قالب آئین نامه خلق شخصیت و نهاد مدنی واعطایی شخصیت حقوقی مستقل به آن نمی تواند جایگاه قانونی داشته باشد مضافاً آئین نامه مصوب سال ۹۷ ریاست محترم قوه قضائیه که معطوف به ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه می باشد بلحاظ انتضای عمر این قانون از یکسو و عدم تفویض اختیار به قوه قضائیه در جذب کارآموز و آموزش آنان و سایر موارد مصرحه در آیین نامه بدلالت اصل ۱۵۶ قانون در مغایرت محض با این اصل و عمر قانون برنامه سوم توسعه می باشد با عنایت به اینکه سکان دفاع از حقوق ملت ؛ جان و مال و ناموس آنان زبینه نهاد مستقل کانونهای وکلای دادگستری است که امر جذب و آموزش کارآموزان وکالت و تربیت وکیل امر دفاع را بموجب قانون کیفیت اخذ پروانه و لایحه استقلال کانونهای وکلای دادگستری عهده دار هستند هر گونه موازی سازی از جمله آیین نامه مزبور در مغایرت محض با مصراحت مذکوره در فوق می باشد و خسران و دنیال خواهد داشت. انتظار آن است این موارد مورد توجه ریاست محترم قوه قضائیه که خاک خورده دستگاه قضائی و آشنا به مقررات قانونی است قرار گیرد. روح اله وکیلی. رئیس کانون وکلای دادگستری استان کرمانشاه.

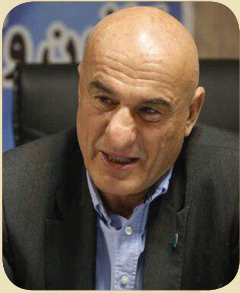
ماده هرگز صدور پروانه وکالت را تجویز ننموده است لذا استفاده از عنوان وکیل برای مشمولین این ماده مجاز نیست و این که قانون مذکور امکان دفاع در محکمه را برای آنها فراهم آورده فقط با استفاده از عنوان مقرر در ماده ۱۸۷ یعنی مشاور حقوقی می تواند به امر دفاع بپردازند . کما اینکه در دگر نظام های قضائی نیز تفکیک و تقسیم متولیان وکالت به وکیل ومشاور پیش بینی گردیده است که البته مشاورین مذکور نیز از کانون وکلای حوزه خود پروانه دریافت می کنند و نه از نهاد موازی . و این گونه مشاورین با استفاده از همین عنوان دردعاوی وکالت می کنند لذا از امکان حضور مشاورین موضوع ماده ۱۸۷ در دادگاه جهت امر دفاع افاده برخورداری از عنوان وکیل نمی شود و این عنوان خاص وکلای دادگستری عضو کانون وکلا ست که وفق مقررات لایحه استقلال کانون وکلا وقانون کیفیت اخذ پروانه وکالت از کانون وکلای دادگستری مستقل به عنوان تنها متولی قانونی این امر پروانه وکالت دریافت کرده اند هر چند این اعتقاد قانونی لزوماً به معنای نفی شایستگی و توانائی اشخاص محترمی که از مرکز مذکور پروانه دریافت نموده اند نیست وجایگاه و حقوق مکسبیه آنها مورد احترام است . از این رو آئین نامه اصلاحی ماده ۱۸۷ با تغییر عبارت عنوان مشاور به وکیل اراصل قانون مینا عدول نموده وبرخلاف قانون اساسی در قالب آئین نامه قانونگذاری کرده است. ۴- آئین نامه اصلاحی مورد بحث اگر چه این نهاد را از نظرداری و مالی مستقل معرفی کرده اما مواد بعدی این آئین نامه در معرفی اعضای هیأت نظارت که همگی از مقامات ارشد منصوب در قوه قضائیه هستند و رئیس مرکز خود از بین حقوقدانان (ونه حتی وکیل رسمی) با حکم انتصابی رئیس محترم قوه قضائیه تعیین می شود همگی منافی ومغایر با استقلال یک نهاد مستقل هستند که چون این مقال در مقام نقد آئین نامه مذکور نیست مجالی برای ورود به جزئیات وتعدد موارد نقض استقلال در این آئین نامه ندارد. ۵- ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه کالت ظرفیت مورد نیاز حوزه های قضائی را مبنای جذب فارغ التحصیلان قرار داده است و مرجع تصمیم گیرنده این ماده هیأت ۴ نفره ای است که اکثریت این هیأت را رئیس کل دادگستری استان و رئیس دادگاه انقلاب حوزه قضائی مربوطه تشکیل می دهد. حتی ماده ۶ وبند الف ماده ۲ آئین نامه اصلاحی ماده ۱۸۷ ناظر بر ضرورت تعیین تعداد کارآموزان قابل پذیرش در هر سال است حال این که آگهی آزمون مرکز مشاوران بدون تعیین سقف ، بدون نیاز به مدرک لیسانس و بدون ضرورت گواهی پایان خدمت منتشر شده ، این رفتار سؤال برانگیز خود نقض آشکار قوانین موضوعه و آیین نامه ماده ۱۸۷ است !! سالیانست که کانونهای سراسر کشور چنین شرایطی را پیش بینی کرده ومکرراً عواقب استمرار فعالیت غیرقانونی تشکیلات ماده ۱۸۷ را گوشزد نموده اند حدود یک هفته پیش نیزروای کانون های ۲۵ گانه سراسر کشور همراه با رئیس اتحادیه سراسری کانون ها طی نامه ای مراتب ترگانی عمیق خود را به محترمترین رئیس قوه قضائیه ارسال داشته اند که هنوز پاسخی دریافت نکرده اند و دیگر بار به عنوان سنگربانان وسربازان یک نهاد قانونی مدنی و مستقل و بر قدمت و معتبر در جوامع بین المللی انتظار و درخواست دارند که رئیس محترم قوه قضائیه که کارنامه طولانی حضور ومؤثر دردستگاه قضائی را دارند وقانونگرانی را ملاک برنامه های خود قرار داده اند در اجرای سیاستهای مقبول و معقولی که در پیش گرفته و به همگان وعده داده اند با تعلیق آئین نامه اصلاحی مورد تصویب رئیس سابق قوه قضائیه ودستور توقف فوری اجرای آزمون مرکز مشاوران مانع از قانون گریزی شوند تا نظیر آنچه علیرغم مخالفت وکلا و حقوقدانان تجربه تلخ اجرای قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و حذف دادسرا را رقم زد و پس از خسران وزیان غیرقابل جبرانی که در طول مدت یک دهه به مردم تحمیل گردید ناچار به عقب گرد و بازگشت به ۱۰ سال پیش شد بار دیگر تکرار نشود . پرواضح است که کانون های وکلای دادگستری ایران وظیفه خود می دانند از موجودیت وکیان خانه مشترک خویش واستقلال کانون وکلا ونهاد وکالت که ضامن تأمین حقوق مردم در قانون اساسی و حقوق ملی در مجامع بین المللی ودفاع از حقوق حرفه ای خانواده بزرگ وکلای دادگستری است پاسداری نمایند و در تعامل مثبت ومتقابل با قوه محترم قضائیه بکوشند تا کانون کهن که یادگار ۷۰ ساله مدنیت ایران ومظهر ونماد وجهه بین المللی نظام قضائی کشور است همچنان استوار و برقرار به رسالت قانونی وتاریخی خویش عمل نماید . انشاء الله.

■ «به خیل

بیکاران بنگرید!»

کانون وکلای دادگستری، به‌عنوان یک نهاد دیرپای مدنی، همواره در سنگر «قانون» پناه گرفته است، این ملجاء زمانی مستحکم است که «حاکمیت قانون» مستقر شده باشد. در جهان معاصر ما،

«حاکمیت قانون» یعنی «حکمی» که از مجرای مجلس بر همه روابط اجتماعی مستولی می‌شود و آن را تضمین می‌بخشد. اما این شکل و شیوه در فرضی که قدرت عریان سیاسی با تصرف همه ارکان حکومتی خود را متعهد به همان قانون موضوعه (آنچه از مسیر نمایندگی اراده عمومی در مجلس وضع می‌شود) نداند، در واقع و نفس‌الامر، ساتر قدرت و صرف شیوه و شکل است. اما، حرکت جامعه، چند وجهی و سیال است و در درون آن هستند نیروهایی که اعتقاد و ایمان نزنزل ناپذیری بر باورهای خود دارند و برای سلطه باور خود، بر روابط اجتماعی؛ از «غلبه» سود می‌جویند. مهم‌ترین وجه حصول «غلبه» جنگ است و بدیهی است بعد جنگ «غنیمت» هم هست. از قربانیان غلبه و جنگ، «نهادهای مدنی» از جمله کانون‌های وکلای دادگستری هستند. در وضعیت جنگ نابرابر و به‌اقضای رفتار متمدانانه کانون‌های وکلای دادگستری، حداقل، «روشنگری» ضرورت دارد. کانون از قانون سخن می‌گوید، اما طرف دعوا قوانونی عمل می‌کند و می‌گوید به خیل بیکاران بنگرید. با برگزاری آزمون سراسری و ورود چندین هزار وکیل به عرصه دادرسی، تحت امر و سیطره دستگاه موازی (منبعث از قدرت و حاکمیت)، متضرر



■ کانون وکلا نه غیرقانونی است و نه انحصار طلب

رئیس کانون وکلای استان اصفهان با انتقاد از شایعه پراکنی برخی رسانه‌ها گفت: رسانه زبان‌گویای جامعه است اما به شرط اینکه امانت‌دار باشد و اهداف شخصی و سیاسی خود را در کار دخیل نکند همچنین کانون وکلا نهادهای قانونی است و انحصارطلبی ندارد. دغدغه اصلی وکلا در شرایط کنونی کشور، مسائل صنفی جامعه وکالت است که باید جامعه حقوقی کشور نسبت به آن واکنش به موقع و صحیح نشان داشته باشند. رئیس کانون وکلای استان اصفهان با تأکید بر اینکه از مقامات صلاحیت‌دار که اصل حاکمیت قانون را محترم و خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند تقاضای تعلیق این آزمون را داریم نه اینکه به اشکال و بهانه‌های مختلف سعی کنند صراحت قانون را زیر سوال ببرند و این اقدام را توجیه نمایند. وی در ادامه افزود: مدت ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه منقضی شده لذا آیین نامه اجرایی که در مورخ اسفندماه ۹۷ توسط رئیس محترم سابق قوه قضائیه ابلاغ گردید براساس یک ماده قانونی منسوخ صادر شده است، صرفنظر از اینکه در نص ماده ۱۸۷ قانون مذکور صحتی از صدور پروانه وکالت نشده و صرفاً به بررسی صلاحیت فارغ التحصیلان حقوق برای تأسیس موسسات حقوقی پرداخته شده است. رئیسی در ادامه تأکید کرد: با وجود اصرار کانون‌های وکلا بر رعایت اصل حاکمیت قانون متأسفانه برخی به بندج ماده ۸۸ برنامه ششم توسعه برای توجیه این آزمون استناد می‌کنند در حالی از بند مذکور نمی‌توان چنین مجوزی را استنباط نمود و اینگونه تفسیر قوانین از نظر اصول تفسیر قابل قبول نیست. اساس آزمون مرکز مشاوران خلاف قانون است. کانون‌های وکلا صراحتاً اعلام می‌کنند که اولاً اساس آزمون مرکز مشاوران خلاف قانون بوده همچنین در این آزمون شاخص‌ها و استانداردها رعایت نشده است. هر وکیلی صرفاً به لحاظ امرار معاش وارد حرفه وکالت نمی‌شود بلکه ورود او به دلیل دفاع از حقوق مردم است و شرافت این شغل به لحاظ اهمیت آن در جهت دفاع از حقوق مردم شکل می‌گیرد. وکلای جوان نیازمند رشته‌های حمایتی هستندوی با بیان اینکه وضعیت نامناسب معیشتی وکلا تا جایی مشکل‌ساز شده که در مورد ضرورت ارائه بسته حمایتی برای وکلای جوان از طرف اداره دارایی توافقاتی صورت گرفت، تصریح کرد: در چنین شرایطی نماینده محترم مجلس که باید مدافع حقوق مردم باشد، ادعای بدون دلیلی مبنی بر انهماء فرار مالیاتی سنگین از طرف وکلا را مطرح می‌کند و بعد روزنامه جوان اقدام به چاپ این مطلب بدون بررسی کارشناسانه می‌نماید. رئیسی با اشاره به اینکه باید به چنین اشخاصی مطالعه در باب قوانین کیفیت اخذ پروانه وکالت را متذکر شد، اظهار کرد: این افراد باید بدانند اقداماتشان هزینه‌های هنگفتی برای کشور دارد همین که جامعه حقوقی باید پتانسیل خود را صرف پاسخگویی به همه‌های غیرموجه کند هزینه است، قضاوت جامعه جهانی از بیرون که باعث تخریب وجهه بین‌المللی کشور است، همچنین اضطرابی که بر جامعه وکالت و داوطلبین شرکت در آزمون وارد می‌شود هزینه‌های جبران‌ناپذیری هستند. وی با بیان اینکه کانون‌های وکلا، متولیان بزرگترین نهاد مدنی کشور طبق شاخص‌ها و استانداردهای جهانی هستند، تصریح کرد: این نهاد به طور قانونی ایجاد شده و فعالیت می‌کند همچنین انحصارطلب نیست، بلکه برخلاف تمام حرف‌های بی‌اساس و بدون ادله‌ای که علیه کانون‌های وکلا زده می‌شود باید گفت بدون تردید نهاد وکالت بیشترین شغل را نسبت به سایر گرایش‌های مختلف رشته حقوق ایجاد کرده است.

در این هفت ماه به اسم مرکز مشاوران چه بر کانون وکلاء گذشته است؟؟



یادداشت رئیس کانون وکلای دادگستری کرمان در واکنش به انتشار آگهی برگزاری آزمون کارآموزی وکالت توسط مرکز امور مشاوران قوه قضائیه. امروز مجالی حاصل شدکه هفت ماه فعالیت شبانه روزی فرهنگی، تبلیغی و بعضاً تعجیلی، نهاد مقتدر نمای موصوف را مرور نمایم! از وضع آیین نامه ی نوشته شده بر قانون منقضی شده ایی که به جای تنویر قانون زنده بیشتر به دوختن خلعتی بر قانغون مرده می ماند که معایب میت را مستور نماید تا اعضاء و ابلاغ این آیین نامه در واپسین ایام مدیریت رئیس محترم سابق قوه که با نقض استقلال وکیل و وکالت دقیقاً در اسپندماه ۹۷ و در شرف برگزاری استقلال نهاد وکالت تائیدین گرفت و خورشید نیمه بند استقلال را کم فروغ کرد. بلندپروازی های به نام رئیس محترم مرکز را یادم آمده که در اولین ماه منصب و بدون توجه به سابقه و شان مدعوین، پیشکشوتان وکالت را به شام آخر! رئیس محترم قوه قضائیه احضار فرمودند که خدا را شکر با تدبیر بزرگان و اصلاح دیپلماسی دعوت، موجبات حضور با عزت مدعوین فراهم و شام آخر به شام اولی مبدل گشت که سرآغاز همکاری جدید با میزبان گردید. با این خاطرات ناخوش سال ۹۷ را به فرجام رساندیم . بیامد امدبهار ۹۸ با چیدن گلپهایی از دانشگاه حضرت امام صادق(ع) و گرینش اشخاص دیگری که با کانون های وکالت میانه خوبی ندارند کدیکد خوردو کاشت انها در سبدنهادهای تصمیم گیرنده ی باب وکالت نظیرتفنیج قوانین ،مرکز پژوهش ها و نظایران تداعی گرایی امرشد،سالی که نکوست از بهارش پیداست! در تازه ترین اقدام نیزمواجه با اعلام برگزاری آزمون مرکز شدم که خود حدیث مفصل دیگری است!!! انتظار جامعه حقوقی ،وکلاء و قضات از جناب آقای ریسیی به عنوان شخصی صاحب نظر ،فقیه،تحصیل کرده و برخاسته از متن قوه قضائیه این هست که باالصراحه نظر خود را در خصوص وضع ،جایگاه و اینده راه آیین نامه ماده ۱۸۷برنامه